

39 متهم پرونده فساد بانکی در انتظار حکم دادگاه

روز گذشته پانزدهمین جلسه دادگاه فساد بانکی به پایان رسید تا بخش اول این پرونده بزرگ با رسیدگی به اتهامات 39 متهم بسته شود.



روز گذشته پانزدهمین جلسه دادگاه فساد بانکی به پایان رسید تا بخش اول این پرونده بزرگ با رسیدگی به اتهامات 39 متهم بسته شود.

اولین جلسه دادگاه فساد بانکی در 29 بهمن سال گذشته برگزار شده بود. بنابر اعلام نماینده دادستان که در جلسه دادگاه اعلام شد این پرونده حدود 200 متهم دارد.

آخرین جلسه دادگاه فساد بانکی در بخش اول دیروز در حالی برگزار شد که این پرونده نیمه مرداد سال 90 گشوده شده بود و پس از ماهها تحقیقات مقدماتی مشتمل بر 33 جلد و 12 هزار صفحه اوراق و مستندات قضایی، کیفرخواست آن صادر شد.

در ابتدای این جلسه قاضی سراج تصریح کرد: در جلسات گذشته بر ایجاد اشتغال در شرکت های گروه ملی و تراورس خیلی تاکید شد و کارگران عزیز به این موضوع خیلی معترض بودند.

وی ادامه داد: ما بررسی کردیم و با توجه به استعلام از مراجع مربوطه مطلع شدیم که این دو گروه صنعتی، 2143 کارگر را اخراج کرده اند.

سراج افزود: شرکت گروه ملی فولاد قبل از خصوصی سازی 4890 نفر کارگر داشت که در زمان خصوصی سازی این تعداد به 3538 نفر کاهش یافت. این یعنی شرکت مذکور 1359 نفر اخراجی داشته است.

رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اظهار داشت: شرکت تراورس نیز در زمان خصوصی سازی 8011 کارگر داشته است که در مردادماه سال 90 این تعداد به 7227 نفر رسیده است. یعنی این شرکت نیز 784 کارگر اخراجی داشته است.

سراج خاطر نشان کرد: این در حالی است که در قبال اخراج افراد، تعدادی نیروی مورد اعتماد خودشان را جایگزین کردند که اگر این را به حساب آوریم، رقم کارگران اخراج شده بالاتر است.

در ادامه، قاضی سراج از نماینده مدعی العموم خواست تا بار دیگر کیفرخواست مربوط به مدیران گروه ملی فولاد را قرائت کند. فراهانی-نماینده دادستان تهران- پس از قرائت مجدد کیفرخواست اظهار داشت: اگر مدیران گروه ملی همکاری نمی کردند، مه آفرید و افرادی نمی توانستند از پتانسیل گروه ملی استفاده کنند. ما از این افراد بیشتر توقع داشتیم تا بیشتر مراقب می بودند زیرا حرفه آنان مانند مه آفرید مجرمانه نبوده است. براین اساس تقاضای صدور مجازات متناسب را برای این افراد داریم.

این مظلوم نمایی

به نفع شما نیست

در ادامه متهم «#م.س» پس از حضور در جایگاه اظهار داشت: من کارگر گروه ملی هستم و از سال 87 مسئول پیگیری ورود و خروج مواد اولیه شدم. نماینده محترم دادستان در اظهارات خود بیان کردند که من یکی از مدیران گروه ملی هستم، در صورتی که اصلا مدیر نبودم. زمانی که موقع پرداخت حقوق و مزایا می شد، من کارگر می شدم و زمانی که نوبت به سوال و جواب دادن می شد، من مدیر گروه ملی می شدم.

وی ادامه داد: از شروع خصوصی سازی کلیه فعالیت های بازرگانی گروه ملی به هلدینگ تهران منتقل شد و کلیه کارمندان باید دستورات هلدینگ تهران را اجرا می کردند.

این متهم افزود: عنوان شغلی من آنچه که در ظاهر بود، مسئول خرید مواد اولیه بود اما به دلیل اهمیت زیاد مواد اولیه، این مواد توسط بالاترین مقام سازمان که مدیران بودند خریداری می شد و این افراد پیش فاکتورها را نهایی می کردند.

«#م.س» خاطرنشان کرد: نقش من همانند یک نامه رسان و پادو بود. من طبق دستور گروه ملی پیگیری های لازم را انجام می دادم. این متهم تصریح کرد: کالا که وارد می شد اطلاعاتش به ثبت می رسید. گاه روزانه 300 تریلی وارد می شد و من تمامی مسائل مربوطه را پیگیری می کردم اما در مورد چیزهایی که از تهران می فرستادند هیچ گونه نقشی نداشتیم. وی با بیان اینکه نیامدن کالا به گروه ملی دلیل بر صوری بودن پیش فاکتورها نیست، ادامه داد: ظاهر اعتبار اسنادی و روش گشایش شبیه هم بود و برای من قابل تشخیص نبود. همچنین من را در جلسات شرکت نمی دادند ولی آن چیزی را که شنیدم این بود که گروه آریا خرید و فروش شمش فولاد را در بنادر شمالی و جنوبی انجام می داد. شمش به گروه ملی ارسال می شد اما هیچ مدارکی نداشت و هر زمانی که پیگیری می کردیم کسی توجهی نمی کرد و می گفتند که گروه ملی زیرمجموعه هلدینگ است و خودمان می دانیم چه اطلاعاتی را به شما بدهیم. بارها نام گروه ملی در این جلسات مطرح شده اما منظور کدام گروه ملی است؟ آنکه در تهران است یا آنکه در اهواز است؟

«#م.س» افزود: هیچ گونه نقشی در تنزیل ها و امضاها نداشتیم. فقط دستور پیگیری دستورها را داشتیم بنابراین چگونه می توانستیم از صوری بودن پیش فاکتورها خبر داشته باشیم؟ من فقط با خانم ها «#ع.ج» و «#ج.الف» در ارتباط بودم.

وی اظهار کرد: حد و اندازه من آنقدر بود که در جلسات حضور داشته باشم. من هیچ اطلاعاتی از مجوز بانکی نداشتیم. از مبلغ مجوز

بانكي بي خبر بوم و حتي در اين راستا نقشي نداشت. بانك صادرات هر ماه به دليل عملکردش تشويق شده بود و يك درجه ترفيع اخذ کرده بود.

قاضي سراج گفت: مي دانيد چرا؟ چون رئيس منطقه اهواز در اين ضوابط سهيم بود.

وي افزود: ما كار صوري در گروه ملي انجام ندي داديم. هر روز گزارش روزانه براي مدير مي فرستاديم كه حتي يك روز هم وقفه در اين گزارش ها صورت نگرفت. همچنين ما اخلاقي در نظام اقتصادي كشور ندي كرديم. خدا را شاهد مي گيرم كه ما افزايش توليد داشتيم. اگر در ماه گشايشي صورت مي گرفت، تأثيري در حقوق من نداشت.

اين متهم افزود: فرد بي گناهي هستم و از همسر و فرزندم دور بوده ام.

قاضي گفت: شما زمان ملاقات داريد.

متهم پاسخ داد: امكان اياب و ذهاب ندارم. شرايط اقتصادي من و خانواده ام، من را تحت فشار قرار داده است. اميدم اول به خدا و بعد به شماست.

قاضي سراج خطاب به متهم گفت: اين گونه مظلوم نمائي به نفع شما نيست. شما از صوري بودن اطلاع داشتيد و آگاهانه آنها را امضا مي كرديد.

اظهارات «ع.ر»

در ادامه قاضي سراج از «ع.ر» خواست به عنوان مطلع در جايگاه قرار گيرد و در خصوص فرم ها توضيحاتي را ارائه كند.

«ع.ر» اظهار داشت: فرمي كه به دست ما مي رساندند فرم خام بود. در اين فرم محل امضاي متقاضي، امضاي ضامن ها و امضاي بانك درج شده بود. فرم بايد توسط آقاي «خ» پر مي شد. اين فرم در گروه ملي خام بود و ما فرم خام را امضا مي كرديم. دليل خام بودنش هم اين بود كه ما از اطلاعات آن بي خبر باشيم.

سپس نماينده دادستان در جايگاه قرار گرفت تا سؤالاتي را از «ع.ر» بپرسد.

فراهاني خطاب به وي گفت: شما بيان مي كنيد كه اطلاعي نداشتيد. مه آفريد هم مي گويد من اطلاع نداشتم. در حالي كه همه مي دانستند كه چه خبر است. شما چرا اين گونه مديريت كرديد و چرا به عنوان مدير يك مجموعه سكوت كرديد و اجازه داديد آقاي «م.س» به كار خود ادامه دهد و مانع كار او نشديد؟

«ع.ر» پاسخ داد: من به آقاي «پ» بارها گفتم كه فرم ها را ببينم تا متوجه بشوم چند امضا كرده ام اما وي به من گفت امضاي شما در اين فرم ها اصلاً نيست. اين فرم ها يا هستند يا نيستند و اگر نباشند معلوم مي شود چه كساني ذي نفع ماجرا هستند. كليد قفل اين پرونده در نشان دادن فرم هاست.

نماينده دادستان گفت: آيا شما به عنوان يك مدير به آقاي «م.س» توضيح داديد كه چرا ديگر فرم ها را امضا ندي كنيد؟

متهم پاسخ داد: خير. توضيحي ندادم. آقايمان «ك» و «ش» همه ما را گمراه كردند.

فراهاني بار ديگر گفت: در اظهارات شما آمده از همان ابتدا شايعه بوده كه ال سي هاي تهران صوري است اما از نيمه سال 89 همه مي دانستند كه ال سي ها صوري است. در اين رابطه توضيح دهيد.

«ع.ر» گفت: مشكل ما در گروه ملي اين بود كه به صورت جزيره اي كار مي كرديم. من اول با آقاي «خ» صحبت كردم براي اينكه مطمئن شوم فرم ها صوري نبوده است اما اظهارات من نظر من بود و ممكن است نظر ديگران نباشد.

قاضي سراج گفت: شما بيان كرديد گروه ملي قبل از خصوصي سازي دنبال وام بوده اما موفق به دريافت آن نشده است ولي به محض اينكه خصوصي شده چنين حتمي از اعتبارات را مي گيرد. به نظر شما دليل اين چه چيزي است؟

«ع.ر» پاسخ داد: اين موضوع ديگر هنر آقاي «خ» و برخي مسئولان بوده كه توانسته اند اين حجم امتيازات را بگيرند. در ادامه وكيل مدافع «م.س» در جايگاه قرار گرفت و از موكل خود دفاع كرد.

نامه رساني با حقوق

يك ميليون و 600 هزار تومان!

در ادامه قاضي سراج در واكنش به صحبت هاي وكيل مدافع «م.س» گفت: ما هيچ وقت موكل شما را در راس گروه ندي دانيم و به همين دليل است كه او در رديف هاي آخر آمده است و هم چنين قبول داريم كه بايد علم و اطلاع او از جريانات ثابت شود ولي در مورد اينكه مي گوييد موكل تان تشكيلات را نديده است بايد گفت كه اصلاً تشكيلات بدين شكل عمل مي كند و قرار نيست كسي بالادستي خود را ببيند.

قاضي فراهاني نماينده دادستان تهران نيز با اشاره به صحبت هاي وكيل مدافع «م.س» مبني بر اينكه به خاطر وكالت يك فرمانده بسيج و يك كارگر ضعيف افتخار مي كند ولي نماينده دادستان با موكلانش مشكل دارد، گفت: شايد حرفي كه شما زديد اين مطلب را تداعي كند كه ما با بسيجي مشكل داريم در حالي چنين نيست و ما از عملکرد افراد اين پرونده مشكل داريم.

وي ادامه داد: وكيل مدافع در چند جا از نامه رسان بودن موكلش صحبت كرد در حالي كه بايد گفت كدام نامه رسان يك ميليون و 600 هزار تومان حقوق مي گيرد و 20 ميليون تومان هم به او وام مي دهند؟ واقعيت اين است كه موكل در گروه ملي يك مدير بوده است و بايد واقعيت ها را بگويد.

فراهاني خطاب به «م.س» گفت: دفاعيات شما در حدي است كه خانواده تان را راضي كند نه دادگاه را. در خصوص اظهارات «ع.ر» توضيح دهيد كه آيا او با شما خصومتي داشته است؟ آيا اين حجم خريد و فروش اصلاً قابل قبول بوده است؟

وي ادامه داد: اگر يكي يا دو يا حتي 10 ال سي بود شايد حرف متهم قابل قبول باشد ولي وقتي 136 فقره ال سي با آن حجم اعتبار وجود دارد آيا او نبايد مي دانسته كه چه اتفاقي در حال رخ دادن است؟

فراهمی خاطرنشان کرد: وقتی همه این دلایل را کنار هم بگذاریم آن وقت معلوم می شود که چرا «س.ک» کارهای تایپ و فکس را خارج از وقت اداری و خارج از بانک به عهده «م.س» گذاشته است و در مردادماه 90 هم 20 میلیون تومان پاداش می گیرد. یعنی یک یا دو هفته قبل از دستگیری مه آفرید «م.س» به تهران می آید و 20 میلیون تومان پاداش خوش خدمتی اش را از «الف.ش» می گیرد.

وی گفت: در مورد این صحبت هم که می گویند نیاز نبوده است که کالا را ببینید، باید گفت: همین که تسهیلات اخذ شده در جای دیگری به کار گرفته شده است مصداق اخلاف است. گروه ملی یک شرکت تولیدی است و به فرض محال اگر بپذیریم مه آفرید بیرون از گروه ملی خرید و فروش شمش انجام می داده است باز هم اقدام او صوری بوده است.

وی به اظهارات «م.س» در مورد نقش «م.س» در پرونده اشاره کرد و گفت: مواردی فکس به کیش ارسال شده که همه آنها به جای بانک، از دفتر «م.س» ارسال شده است و «س.ک» به خرابی فکس اشاره کرده است. آیا می شود دستگاه فکس یک بانک به مدت دو سال خراب باشد؟ اینها همه نشان از ارتباط «م.س.ک» و «م.س» بوده است.

اخلال در نظام اقتصادی

تمثیلی است

فراهمی تصریح کرد: موارد اخلال در نظام اقتصادی کشور در قانون احصایی نیست بلکه تمثیلی است، چنانکه عبارت امثال آنها در آخر ماده قانونی مربوطه آمده است و اصلاً نمی شود این موارد را احصا کرد زیرا ما اصلاً 20 سال پیش ال سی نداشتیم و شاید در سال های آینده هم مورد جدیدی پیش بیاید. پس ماهیت اخلال چیزی نیست که بتوان در شرایط اقتصادی امروز آن را احصا کرد.

وی ادامه داد: اخلال یک معنای عرفی دارد و ما از نظر کارشناسان استفاده می کنیم و با توجه به عرف و نظام اقتصادی کشور در نظر می گیریم که آیا اخلال صورت گرفته است یا خیر؟ همچنین لزومی ندارد اخلال کل نظام اقتصادی کشور را به هم بزند و همچنین باید توجه داشت که این پرونده بالاترین رقم فساد اقتصادی در طول تاریخ کشور را داشته است و در آن بالاترین تعداد رشوه، رانت، سوءاستفاده، جعل امضا و غیره صورت گرفته است.

پس از صحبت های نماینده دادستان تهران، «م.س» در جایگاه قرار گرفت تا آخرین دفاعیات خود را ارائه کند.

وی در مورد دریافت مبلغ 20 میلیون تومان وام گفت: دو ماه قبل از اینکه بازنشسته شوم درخواست وام ضروری علی الحساب دادم. مبلغ مطالبات من از شرکت بیش از اینها بوده است. من بیست سال سابقه کار داشتم. آیا بیست میلیون تومان وام برای کسی که بیش از دو میلیون تن فولاد وارد گروه ملی کرده زیاد بوده است؟

«م.س» افزود: من اصلاً از عملیات بازرگانی اطلاع نداشتم، امور مالی این اعتبارات توسط رئیس شعبه بانک صادرات با هولدینگ تهران انجام می شده است.

وی افزود: خیلی ممکن است با اظهارات خانم «ج.الف» مجازات شوند. او در بخشی از اظهارات خود می گوید آقایان مه آفرید و «الف.ش» موثرترین فرد در تنزیل ها و گشایش اعتبار بوده اند و بقیه کارها توسط آقایان «م.س» و «م.س.ک» انجام شده است.

دفاعیات «ج.د»

در ادامه، قاضی سراج از «ج.د» خواست تا در جایگاه حاضر شود و در مورد اتهامی که به او وارد شده مبنی بر معاونت در اخلال در نظام اقتصادی کشور از خود دفاع کند.

«ج.د» با رد اتهام خود اظهار کرد: از سال 70 در گروه ملی استخدام شدم و در بدو استخدام به عنوان کارشناس معرفی شدم و به دلیل صداقت، مدارج مدیریتی را طی کردم. همچنین در اواسط سال 83 با نظر مدیریت به عنوان معاون مالی اقتصادی منصوب شدم و در سال 85 نیز به عنوان عضو هیئت مدیریت در هیأت مدیره برگزیده شدم.

وی ادامه داد: تمام کارهای بانکی بر عهده من بود. از اواخر سال 87 برای بازنشستگی اقدام کردم و زمانی که گروه ملی به مزایده گذاشته شد، تا پنج شش روز تصور می کردم کسی که کارخانه را خریداری کرده خانم است اما بعد از مدتی متوجه شدیم که صاحب کارخانه آقا است.

این متهم افزود: هفته ای دو روز با آقای «م.س» برای انجام کارهای بانکی به تهران می رفتیم و در همین روزها بود که آقای «ج.د» به درخواست خود به دیدن ما آمد و به من پیشنهاد داد که عضو هیأت مدیره بشوم اما من قبول نکردم و آقای «م.س» نیز شاهد این موضوع است.

«ج.د» اظهار کرد: در جلساتی که گذاشته شد، خرید، فروش و مسائل مالی را از زیرمجموعه من خارج کردند و خزانه به تهران منتقل شد. به همین دلیل نزد آقای «م.س» رفتم و به او گفتم عملاً بیکار شده ام زیرا هم فروش و هم خرید را از زیرمجموعه من خارج کرده اند. شما لطف کنید و تا زمان بازنشستگی، حکم مشاور را برای من صادر کنید اما آقای «م.س» گفت که مشاور برای شما مناسب نیست و به پیشنهاد خود حکم معاونت اجرایی را برای من صادر کردند.

وی خاطرنشان کرد: هیچ دخالتی در کار بانکی و امور مالی نداشته ام. از زمانی که آقای «ج.د» آمد، من خود را از تمامی مسائل کنار کشیدم. بر همین اساس در چرخه اعتبارات اسنادی نقشی نداشتم و فقط بر ورود شمش نظارت داشتم. هیچ جا به من نگفتند نظارت بر اعتبارات اسنادی بر عهده توست. این متهم افزود: در تیر 90 متوجه یک سری ارقام شدم که برایم شک برانگیز بود که مبالغی خارج از کارخانه خرید و فروش می شد. اسناد به لحاظ منطقی، واقعی بود بنابراین چون هیچ مستندی برای اثبات آن نداشتم دخالت نکردم. اگر می خواستم به آقای «ج.د» بگویم خیلی راحت به من می گفت به تو چه ربطی دارد.

«ج.د» اظهار داشت: به دنبال مصوبات بانکی نبودم. وقتی کار به بخش خصوصی واگذار شد دیگر دخالتی نداشتم و فقط می

خواستم بازنشسته شوم. من در حال حاضر چوب سابقه کاری خود را که در امور مالی بودم، می خورم. گروه ملی در تیرماه سال 90 به بخش خصوصی واگذار شد و تا قبل از آن، ما با چنگ و دندان در گروه ملی کار می کردیم.

در ادامه، وکیل مدافع «ج.د» در جایگاه حاضر شد و به دفاع از موکل خود پرداخت.

در ادامه، فراهانی- نماینده مدعی العموم- در پاسخ به اظهارات «ج.د» و وکیل مدافعش در جایگاه قرار گرفت و گفت: ما در مقام مدعی العموم باید موضع سرسختانه داشته باشیم. هیچ وقت مدعی نیستیم که کیفرخواست ایرادی ندارد. ما نیز مانند بقیه هستیم اما با تلاش های فراوان سعی کردیم کیفرخواست توأم با انصاف باشد و سعی می کنیم اگر اشتباهی رخ داده آن را تصحیح کنیم.

وی ادامه داد: در اظهارات آقای «ر» آمده است که «ج.د» به دلیل سمت قبلی اش به مدت هشت سال در زمان دولتی بودن مشغول به کار بوده و در آن زمان در حکم آچار فرانسه برای آقای «ر» بوده است. آقای «ج.د» از ال سی ها اطلاع داشته اند اما دخالتی در این زمینه نکرده اند. آقای «ر» هم در اظهارات خود گفته است که آقای «ج.د» از صوری بودن ال سی ها کاملاً مطلع بوده است.

فراهانی با بیان اینکه بالاترین میزان و رقم ال سی ها مربوط به سال 90 است، اظهار کرد: در اظهارات آقای «ر» در مورد «ج.د» آمده است که بعد از خصوصی سازی، «ج.د» عملاً جانشین مدیرعامل بوده است و اموری از قبیل نظارت بر کار مدیران و مشاوره را انجام می داده است بنابراین با توجه به این موارد نمی توانسته از موضوع بی خبر باشد.

نماینده دادستان خاطرنشان کرد: «ج.د» در جلسات قبل از واگذاری گروه ملی به بخش خصوصی مرد میدان بوده چون در ارزشیابی گروه ملی نقش کلیدی داشته است. آقای «ج.د» اهل اقتصاد و مسائل مالی بوده و کاملاً در جریان امور بوده است.

وی افزود: ایشان فردی نبوده که سر درنیآورد مه آفرید چکار می کند. آقای «ج.د» چرا به آقای «م.س» نمی گوید ال سی ها مشکل دارد؟ وی اطلاع رسانی در این زمینه انجام نداده و اگر آقای «ر» دیگر امضا نکرده تنها به این دلیل بوده که خودش متوجه صوری بودن شده است.

نماینده مدعی العموم اظهار کرد: آقای «ج.د» موضوع را به «م.س» نگفته و خودش را کنار کشیده و حتی بعد از اینکه موضوع علنی شد به حراست یا سازمان های دیگر نیز اطلاع رسانی نکرده است. به همین دلیل به وی اتهام معاونت در اخلاص در نظام اقتصادی کشور وارد شده است.

در ادامه، «ج.د» در جایگاه قرار گرفت و با ارائه آخرین دفاعیات خود گفت: زمانی که سال 88 آقای «ر» به مرخصی رفتند من جانشین ایشان بودم. من حتی حق امضا نداشتم و تنها کارخانه را کنترل می کردم. در تمام بخش ها خرید، فروش و امور مالی به تهران منتقل شده بود و من کنترلی بر آنها نداشتم.

ترس از خصوصی سازی!

این متهم افزود: بارها در اظهاراتم بیان کرده ام که در تیرماه سال 90 متوجه رقم 1700 میلیارد تومان شدم و تا قبل از آن هیچ اطلاعی در این زمینه نداشته ام و در هیچ کدام از جلسات بانکها شرکت نمی کردم. از زمانی که آقای «خ» گروه ملی را خرید، من از گروه ملی بیرون آمدم زیرا از خصوصی سازی به شدت می ترسیدم.

«ج.د» افزود: خوشبختانه در این مملکت قانون واگذاری بسیار شفاف است. مزایده در تهران برگزار شد و از این طریق آقای «خ» برنده این مزایده شد.

وی خاطرنشان کرد: مه آفرید روز اول به بانک رفت و اعتبار گرفت زیرا معتقد بود بخش خصوصی توانمند است و پشت این شرکت یک شرکت به نام امیرمنصور آریا مثل کوه ایستاده است.

این متهم در پاسخ به اظهارات نماینده دادستان مبنی بر اینکه چرا به «م.س» اطلاع رسانی نکرده است، خاطرنشان کرد: آقای «م.س» عددی نبود. از نظر ما یک نامه رسان بیشتر نبود. زمانی که دیدم فرد زحمت کشی است یک سمت به ایشان دادیم. او در این سمت هیچ کارمندی نداشت و خودش بود و خودش. بنابراین دلیلی نمی دیدم که بخواهم به او بگویم اما در این مورد که به من می گوید چرا به حراست اطلاع ندادم باید بگویم که من هیچ مستندی نداشتم که بخواهم به مراجع ذیربط بگویم.

وی در پایان گفت: من نه فعل مجرمانه انجام داده ام و نه مجری بودم. نه امضاکننده بودم و نه ناظر. زمانی که آقای «خ» خواست به من ماشین، پول و خانه بدهد عضو هیات مدیره نشدم تا برای او بخواهم مجانی کار کنم.

در ادامه، وکیل مدافع «ج.د» در جایگاه قرار گرفت و از موکلش به دفاع پرداخت.

این پرونده حدود 200 متهم دارد

در ادامه قاضی سراج در واکنش به صحبت های یکی از متهمان گفت: در این پرونده تاکنون به اتهامات 39 نفر رسیدگی شده است و همانطور که آقای فراهانی گفت این پرونده حدود 200 متهم دارد. همه اسم هایی که شما گفتید قطعاً به نوبت اینجا می آیند منتها شما چون زیاد بازداشت بوده اید، شما را زودتر آورده اند.

در بخش دیگری از جلسه دادگاه، پس از صحبت های وکیل مدافع «ع.ب»، متهم در جایگاه قرار گرفت تا آخرین دفاعیات خود را ارائه کند.

«ع.ب» گفت: ما الان در دورانی زندگی می کنیم که حداقل 11 ماه از تشکیل پرونده گذشته است و با گزارش هایی که سازمان های مختلف کشور ارائه کرده اند، تقریباً تصویر روشنی به دست آمده است اما این تصویر با آن زمانی که ما مسئول کار بودیم فرق می کند. من نمی خواهم از شرکت آریا تعریف کنم اما آن را شرکتي می دیدم که آمده است تا یک شرکت ورشکسته را نجات بدهد.

وی با بیان اینکه من لایحه ای به زبان خودم تنظیم کرده ام و آن را تقدیم دادگاه خواهم کرد، گفت: من هیچ نقشی در ارتباط با بانک

و افراد شرکت آریا نداشته ام و از طرفی در طول سال های جنگ تحمیلی با حضور داوطلبانه جان خود را برای حفظ نظام جمهوری اسلامی در طبق اخلاص گذاشته ام.

این متهم افزود: من اطلاعات حقوقی ندارم ولی در مورد من نه مشارکت مصداق دارد و نه اخلاک اقتصادي هستم. من هیچ گناهی نکرده ام ولی 240 روز است که در زندانم.

وی با تشکر از مسئولان و کارکنان زندان در پایان خطاب به قاضی سراج گفت: هر چیزی که خودتان می دانید برای رضای خداست انجام دهید و نگران ما نباشید.

به گزارش ایسنا، پس از اخذ آخرین دفاع از این متهم، رسیدگی به اتهام 39 نفر از متهمان پرونده فساد بزرگ مالی که در مرحله اول از سوی دادرسی عمومی و انقلاب تهران برایشان کیفرخواست صادر شده بود، پایان یافت و قاضی سراج ختم دادرسی در این بخش را اعلام کرد.

وی ضمن تقدیر از روابط عمومی قوه قضاییه و دادگاه انقلاب، رسانه ها، صداوسیما و خبرگزاری ها به خاطر پوشش اخبار مربوط به دادگاه گفت: از وکلای محترم و همه عزیزانی هم که در برگزاری دادگاه همکاری کردند صمیمانه تشکر می کنم.

قاضی رسیدگی کننده به پرونده فساد بزرگ مالی در حالی که از صحن دادگاه خارج می شد، در پاسخ به این سؤال خبرنگاران که آیا تا پایان ماه حکم پرونده را صادر می کنید؟ اظهار کرد: سعی می کنیم.